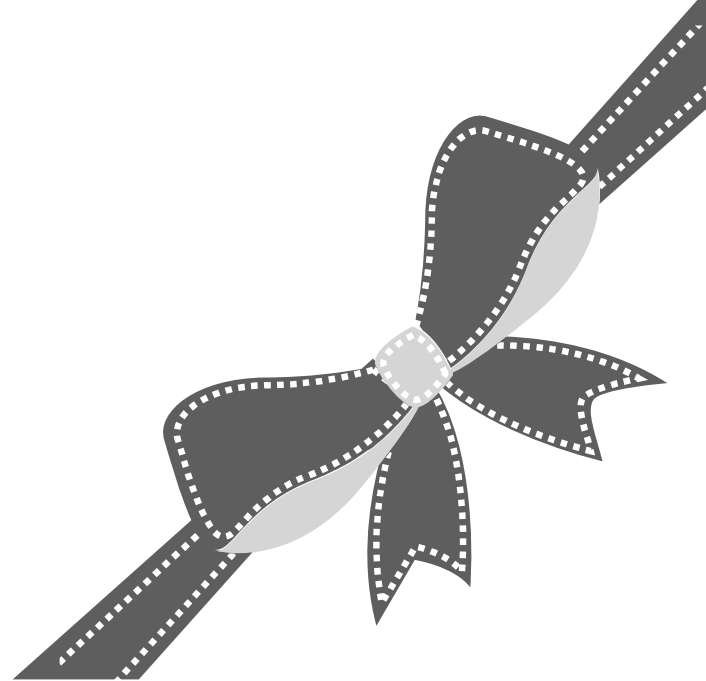


حجاب در قرآن



حجاب در قرآن

در قرآن مجید بیش از ده آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد .

یکی از این آیات، آیه ۵۹ سوره احزاب است: «یا ایها النبی قل لازواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیمن من جلتکم من ذلک ادنی ان یعرفن فلا یؤذین وکان اللہ غفوراً رحیماً» (ای

پیامبر، به زنان و دختران و نیز به زنان مؤمنین بگو خود را پوشانند تا شناخته نشوند و مورد اذیت قرار نگیرند، و خداوند بخشنده مهربان است .)

حجاب به معنای یک پوشش سراسری است؛ یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون کلی لطیف از دسترس، بوسرانان مصون و محفوظ باشد .

در سوره نور آیه ۳۱ نیز مفصلاً در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرمان سخن به میان آمده است .

مفهوم و ابعاد حجاب در قرآن

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیش تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله پوشش است، ولی هر پوششی

حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد .

حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بعد ایجابی و سلبی است. بعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بعد باید در کنار یکدیگر

باشد تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بعد اول باشد ولی بعد دوم نباشد، در این صورت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است .

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به

معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناه های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید .

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده اند .

هدف و فلسفه حجاب

هدف اصلی تشریح احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله میزگیه ی نفس و تقوا به دست می آید :

«بَلْ لَئِذَا كُنْتُمْ عُقْلًا لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (حجرات؛ ۱۳) بزرگوار و با افتخارترین شان نزد خدا با تقواترین شاست.

== بعد الهی بهشت فی الاخرین رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آیت دینیه که هم همه در عظیم الکتاب و الحکمته و اللین کانا من قبل یعنی منطال همین؛

اوست خدایی که میان عرب اتی) قومی که خواندن و نوشتن هم نمی دانستند (پیشبری بزرگوار از جهان قوم برانگیخت، تا بر آسمان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جمل و اخلاق زشت)

باشد این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی حفت، تأثیرش تری دارد؛ و بالعکس هر چه حفت «دونی و باطنی» بیش تر باشد باعث حجاب و پوشش ظاهری بیش تر و بهتر در مواجهه با نامحرم می‌گردد.

حجاب زنان سالمند

قرآن مجید به شکل ظریفی بر این تأثیر و متأثر اشاره فرموده است. تحت به زنان سالمند اجازه می‌دهد که بدون قصد تبرج و خودنمایی، لباس‌های روئی خود، مثل چادر را در مقابل نامحرم بردارند ولی در نهایت می‌گویند: اگر حفت بوزند یعنی حتی لباس باطنی مثل چادر را نیز بردارند بهتر است.

والتيواعد من النساء اللاتي لا يرعون، محصيات، طاهيات، متحجيات، غير متبرجات زينتهن، دون مستحشفات، خير لهن، والله سبحانه عليم (نور؛ ۶۰)

علاوه بر رابطه ی قبل، بین پوشش ظاهری و حفت باطنی، رابطه ی علامت و صاحب علامت نیز هست؛ به این معنا که مقدار حجاب ظاهری، نشانه ای از مرحله ی خاصی از حفت باطنی صاحب حجاب است. البته این مطلب به این معنا نیست که هر زنی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از بهر می مراتب حفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

آیا حجاب منحصر به زحکامی‌های اجتماعی است؟

باتوجه به همین نکته، پاسخ این اشکال و شبهه ی افرادی که برای ناکارآمد جلوه دادن حجاب و پوشش ظاهری، تخلفات بعضی از زنان با حجاب را بهانه قرار می‌دهند آشکار می‌گردد؛ زیرا شکل این حده از زنان، ضعف در حجاب باطنی و فقدان ایمان و اعتماد قوی به آثار مثبت حجاب و پوشش ظاهری است و تجلای گذشته که حجاب اسلامی اباعادی گسترده دارد و یکی از مهم ترین و اساسی ترین ابعاد آن، حجاب درونی و باطنی و ذهنی است که فروراد مواجهه با نگاه و فساد از عقاید ایمان را رخ درونی بر خورداری می‌کند؛ و اساساً این حجاب ذهنی و حقیقی، به مثابه ی سنگ بنای دیگر حجاب، از جمله حجاب و پوشش ظاهری است؛ زیرا افکار و عقاید انسان، شکل دهنده ی رفتارهای اوست.

البته همان گونه که حجاب و پوشش ظاهری، لزوماً به معنای برخورداری از بهر می مراتب عفاف نیست، عفاف بدون رعایت پوشش ظاهری نیز قابل تصور نیست. نمی‌توان زن یا مردی را که عریان یا نیمه عریان در انظار عمومی ظاهری شود ضعیف دانست؛ زیرا گفتمیم که پوشش ظاهری یکی از علامت‌ها و نشانه‌های عفاف است، و بین مقدار عفاف و حجاب، رابطه ی تأثیر و متأثر متقابل وجود دارد. بعضی نیز رابطه ی عفاف و حجاب را از نوع رابطه ی ریشه و میوه دانسته‌اند؛ با این تعبیر که حجاب، میوه ی عفاف، و عفاف، ریشه ی حجاب است. برخی افراد ممکن است حجاب ظاهری داشته باشند ولی عفاف و طهارت باطنی را در خویش ایجاد نکرده باشند. این حجاب، تنها پوسته و ظاهری است. از سوی دیگر، افرادی عفاف کرده و با تعابیری، مثل «من قلب پاک دارم، خدا با قلب پاک دارد»، خود را سرگرم می‌کنند؛ چنین انسان‌هایی باید در قلموس اندیشه ی خود این نکته ی اساسی را بخوانند که دون پاک، بیرونی پاک می‌پروردند و مرکز قلب پاک، موجب بارور شدن میوه ی ناپاک‌بانی جانی نخواهد شد.